

نقش فقرزدایی بر معنویت و اخلاق با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب

ریحانه حسنی¹

چکیده

اسلام فقط درباره ی زندگی جاویدان اخروی سخن نگفته، بلکه به زندگی کردن عزتمندانه در این دنیا که مقدمه ای برای آن می باشد، اهتمام فوق العاده ای ورزیده است. مسئله فقرزدایی یکی از مهم ترین دستورات دین اسلام می باشد. فقر نقش تأثیرگذاری بر فضایل معنوی، اخلاق و سرنوشت آدمی در دنیا و آخرت دارد. معنویت و اخلاق، سامان دهنده ی همه ی حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اساسی جوامع است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با وجود کمبودهای مادی، سعادتمند می سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، انسان را از مسیر سعادت باز می دارد. فرهنگ قرآنی- روایی و اندیشه مقام معظم رهبری تاکید و توصیه های مهمی در این مقوله دارند. یکی از سرفصل های مهم بیانیه گام دوم انقلاب، «معنویت و اخلاق» می باشد. لذا موضوع این مقاله نقش فقر زدایی بر معنویت و اخلاق با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب است. روش تحقیق نقلی - وحيانی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و شیوه پردازش نیز توصیفی و تحلیلی است. نقش فقر زدایی فردی بر معنویت و اخلاق، نقش فقر زدایی خانوادگی بر معنویت و اخلاق، نقش فقر زدایی اجتماعی بر معنویت و اخلاق سه بخش این مقاله می باشند. طبق نگاه رهبری و بیانیه گام دوم انقلاب یافته های تحقیق عبارت اند از: ((کار و تلاش، بی تدبیری در اداره زندگی، حرص و زیاده خواهی، اسراف و تبذیر در حوزه ی فردی؛ مدیریت صله رحم، وضعیت معیشتی خانواده در حوزه خانوادگی؛ عدالت و مبارزه با فساد، پرداخت قرض الحسنه، انفاق و یاری رساندن به فقیران و محرومان جامعه در حوزه اجتماعی بر معنویت و اخلاق نقش دارند)).

واژگان کلیدی: اخلاق، بیانیه، فقر، معنویت

¹. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه معصومیه خرم آباد. hsnryhanh 734@ gmail.com

مقدمه

برای بررسی نقش فقر در جوامع، همواره به قواعد و اصولی نیاز است. فقر، وضعیتی است که فرد دارایی مادی یا درآمد کافی برای رفع نیازهای اولیه خود را ندارد و افراد حقیقی و حقوقی جامعه به دو صورت نیاز مادی و معنوی به شکل مستقیم و غیر مستقیم پیگیر رفع آن است. اما دغدغه همیشگی انسان این بوده و هست که چگونه این قواعد را با نیاز اخلاقی و روانی آدمی هماهنگ کرد؟ به گونه‌ای که افزون بر بررسی نمود های فقر زدایی و نیاز، ایمان و فضیلت‌های اخلاقی نیز تحقق یابد. بیانیه‌ی گام دوم انقلاب مسائل عملیاتی و مبنایی مهمی برای رشد و تعالی فضائل اخلاقی، فرهنگی و انسانی جامعه مطرح نموده است. در سرفصل آن مسائل، اسم معنویت و اخلاق به چشم می‌خورد. معنویت و اخلاق در مشخص کردن راه صحیح رفع معضل فقر در جامعه سعی بلیغی دارد؛ همان گونه که فقر زدایی در کم و کیف معنویت و اخلاق مؤثر است. هدف محقق نشان دادن تأثیر واقعی معنویت و اخلاق در زندگی عموم مردم، جهت بهره‌گیری در محیط زندگی و چراغ‌های فروزان برای رسیدن به کمالات و قله‌های صعود است. بودن مکارم اخلاقی و معنویت زندگی با دوام و سعادت‌مندی را باوجود کمبودهای مالی می‌آفریند و نبودشان، حتی با داشتن ثروتهای کلان آتش دوزخ را شعله‌ور و آرامش را کمرنگ می‌کند. ((بیانیه گام دوم انقلاب)) از سوی مقام معظم رهبری، بسیاری از مسائل فقری، به ویژه نقش فقر در جامعه را در بر دارد و در برگیرنده محورهای ایثار و تواضع است و می‌تواند گونه‌های فقر زدایی را ترسیم کند. با توجه به گوناگونی نقش فقر در جامعه و گستره قلمرو آن، مسئله اصلی این مقاله، در گام نخست شناخت عوامل مؤثر بر معنویت و چیستی نقش فقر بر اخلاق و معنویت جامعه است. از سوی دیگر، نقش فقر زدایی بر معنویت و اخلاق فقط در یک عرصه نیست و اقسامی همچون فقر فردی، خانوادگی و اجتماعی و... دارد. بنابراین چالش و مسئله بعدی مقاله، تبیین و تحلیل هر یک از مصادیق فقر زدایی در حوزه اجتماع، خانواده و فرد است. بنابراین این مقاله در صدد پاسخ به این سوال است که نقش فقر زدایی بر معنویت و اخلاق چیست؟

با توجه به اینکه رفع معضل فقر در جامعه از بایسته‌های مهم زندگی است، نگارنده انگیزه یافت با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب در جهت یکی از این راهبردهای بیانیه، یعنی معنویت و اخلاق، نگاهی دقیق به مقوله نقش فقر زدایی بر معنویت و اخلاق داشته باشد. هدف و فایده تحقیق نیز اصلاح و پر شدن خلاءهای قانونی و اجرایی در این زمینه می‌باشد. هرچند درباره‌ی نقش فقر از منظر آموزه‌های اسلامی و آیات و روایات، پژوهش‌هایی در قالب مقاله و پایان نامه‌های علمی انجام شده است؛ اما در خصوص نقش فقر بر معنویت و اخلاق، آثار اندکی نگاشته شده است. در این زمینه می‌توان تنها به یک مقاله پژوهشی اشاره کرد: ((عوامل معنوی فقرزا و فقرزدا از دیدگاه قرآن و حدیث)) نوشته: صمد عبداللّهی عابد؛ چهارمین همایش ملی قرآن کریم سفینه النجاة عصر، 1390. وی پس از مفهوم شناسی نعمت‌های حادّی و حداکثری، عوامل مادی و معنوی، به تبیین مهم‌ترین عوامل معنوی در قالب عوامل معنوی فقرزا، عوامل معنوی فقرزدا پرداخته است. تمرکز نویسنده‌ی محترم روی عوامل معنوی فقرآور و از بین برنده فقر در قرآن و حدیث است؛ لیکن آنچه باعث امتیاز و وجه تمایز این پژوهش از سایر پژوهش‌های دیگر می‌شود پرداختن به مسئله نقش فقر زدایی بر معنویت و اخلاق با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌باشد. روش تحقیق در این مقاله، نقلی و وحیانی و به وسیله بررسی و تحلیل آیات و روایات که به شیوه‌ی کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

مفهوم شناسی

فقر در لغت، در معانی گوناگونی به کار رفته است. لغت شناسان برای فقر معانی بسیاری ذکر کرده اند، بنابراین فقر ضد غنا (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۶۰) و به معنای نیاز است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ۱۴۰۸) استادان لغت بر این عقیده اند که انسان تهی دست همواره به این جهت فقیر گفته می‌شود، که پنداری

در اثر ذلت و بیچارگی ستون فقراتش شکسته شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۳۳) واژه مخالف غنا در لغت معجم الفروق اللغویه که ابوهلال عسگری چنین می‌نگارد، غنا به سبب مال و غیر مال مانند قدرت و هر آنچه که به کمک آن، نیاز بر طرف شود، فراهم گردد. (عسگری، ۱۴۱۲، ص ۱۵۹) فقر بر چهار وجه بکار می‌رود: اول. نیاز ضروری و لازم که در انسان ها تا وقتی که در دار دنیا هستند عمومیت دارد و فراگیر است، بلکه بر تمام موجودات چنان فقری و نیازی عمومیت دارد. و برای این معنی گفت: ((يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ)). (فاطر، ۱۵)

دوم. فقری که از عدم کسب و کار ناشی می‌شود. که در آیه: ((لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا)). (بقره، ۲۷۳) یادآوری شده است تا آنجا که می‌گوید: ((مِنَ التَّعَفُّفِ يَعْنِي صَدَقَاتٍ مَخْصُوصَ ضَعَفَائِيست که ناتوانند و با عفت. سوم. فقر نفسانی و روحی، که همان آزمندی است. چهارم، فقر و نیاز به سوی خدای تعالی است)). (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۸۰-۷۹)

در اصطلاح فقهی، ((فقر)) به این معنی است که هزینه یک سال را بالفعل و بالقوه نداشته باشد. (مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۲) آنچه از کلام فقیهان، درباره ی حد فقر و ملاک پرداخت زکات، می توان استفاده کرد، چنین است:

1. کسانی که به رغم داشتن سرمایه ی کسب یا اشتغال از درآمد کافی برای مخارج زندگی، در حد متعارف بی بهره اند، فقیرند.

2. آنان که قدرت تأمین هزینه های روزمره را دارند، اما از تهیه مسکن، لوازم خانه، مانند آن ناتوانند، می توانند به قدر نیاز از زکات بهره گیرند.

3. کسانی که به سبب ناتوانی جسمی قدرت کار و کسب درآمد ندارند، فقیر شمرده می شوند.

4. آنان که با داشتن مهارت، ابزار کار و سرمایه کار مناسب ندارند می توانند از زکات استفاده کنند. (رساله های عملیه بخش مصارف زکات) در اصطلاح اقتصادی، ((فقر)) به این صورت تعریف شده است، کسی که نتواند خود و خانواده اش را از نظر مالی اداره کند و نیازمند مردم باشد. (وجدی، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۱۴۳۱) فقر، نقش تأثیرگذاری بر معنویت و اخلاق دارد و دارای اقسام و دسته های گوناگونی است، نظیر: نقش فقر فردی بر معنویت و اخلاق، نقش فقر خانوادگی بر معنویت و اخلاق، نقش فقر اجتماعی بر معنویت و اخلاق.

معنویت در لغت، به معنایی است که فقط به وسیله قلب شناخته می شود و زیان را در آن بهره ای نیست. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۱۱۹) و اخلاق در اصل، واژه ای عربی است که مفرد آن خُلُق می باشد و در لغت به معانی سرشت و سبیه به کار رفته است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۹۳) و معنویت در اصطلاح به این معناست که گاه آن را در برابر امور مادی به کار می‌برند، استاد شهید مطهری در بحثی تحت عنوان «فقر معنوی» با استفاده از روایتی از امام حسن مجتبی (علیه السلام) که می‌فرماید: ((عجب است از کسانی که درباره مأكولات و خوردنی‌های خود فکر می کنند، اما درباره معقولات و یادگرفتنی‌های خود هیچگونه زحمت اندیشه‌ای به خود راه نمی دهند)). معنویت را در مقابل هر آنچه مادی نیست مانند فکر و اندیشه به کار می‌برند، به دو جناح ((مادیت و معنویت)) این استعمال بسیار شایع و عام است. (مطهری، بی تا، ص ۲۴۵-۲۳۹)

گاه معنویت مترادف دین، ارزش های دینی و اخلاق به کار می‌رود. این کاربرد نیز به شکل وسیعی در ادبیات دینی اندیشمندان مسلمان به چشم می‌خورد، استاد آیت الله مصباح یزدی در ((لزوم تقویت معنویت)) می‌گوید: ((در سالهای اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس، گرایش جوانان به معنویات و ارزش های دینی تا حدی بود که تا سر حد شهادت و جانفشانی از آن ها پاسداری می کردند، این عوامل در کنار روشنگری رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خمینی (رحمه الله علیه) مردم را بر آن داشت که به حق، نجات و سعادت خود را در پناه آوردن به دین و معنویات ببینند و با پشتوانه بزرگ فکری به طرف اخلاق اسلامی و رفتار دینی حرکت کنند)). (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۷۸-۷۷) اخلاق در

اصطلاح جمع خُلُق، به معنای سرشت، خوی، طبیعت، و امثال آن است به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود. (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵۷)

بر پایه آنچه در معنای لغوی و اصطلاحی فقر، معنویت و اخلاق گذشت، نقش فقر بر معنویت را این گونه می‌توان تعریف کرد: «نیازمند بودن و نداشتن هزینه در حد متعارف، و نیز لزوم تقویت درونی و فضائل اخلاقی در برابر فقر فراگیر جوامع»

بیانیه‌ی ((گام دوم انقلاب)) تجدید مَطْلَعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای ((دومین مرحله ی خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی)) خواهد بود و ((فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی)) را رقم خواهد زد. این گام، انقلاب را ((به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (اروحنا فداه) هست)) نزدیک خواهد کرد. (مقام معظم رهبری، متن بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، ص ۹-۱۰)

۱. نقش فقر زدایی بر معنویت و اخلاق در حوزه فردی

شخصی که به فقر فردی گرفتار می‌شود در این محور باید فقر را با الگوی صحیح مانند کار و تلاش، جلوگیری از اسراف و تبذیر، جلوگیری از حرص و برنامه ریزی در زندگی و... از بین ببرد و بستر لازم را برای ریشه کنی فقر ایجاد کرده و این کار علاوه بر بی‌نیازی نسبت به دیگران به کامل شدن عقل و دین، کاهش اضطراب روحی و حفظ شخصیت فرد می‌انجامد. به طوری که در روایتی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خطاب به محمد بن حنفیه می‌فرماید: ((يَا بُنَيَّ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ؛ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَقْصَعَةٌ لِلدِّينِ، مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ؛ فرزندم! از فقر بر تو می‌ترسم. از آن به خدا پناه ببر؛ زیرا فقر، دین انسان را ناقص، اندیشه او را مشوش و مردم را نسبت به او و او را نسبت به مردم بدبین می‌کند)). (دشتی، ۱۳۷۹، حکمت ۳۱۹) منظور از فقر در این کلام نورانی امام، فقر مادی است. اینکه چگونه فقر مادی سبب نقص دین می‌شود دلیل آن واضح است، زیرا انسان تحت فشار فقر امکان دارد دست به گناه بزند و برای رسیدن به ثروت، فکر حلال و حرام آن نباشد و یا تحت عنوان ضروری و مضطر بودن بعضی از حرام‌ها را برای خود حلال بشمارد. پس فقر بر اندیشه و دین آدمی، آثار بسیار مخرب و زیان‌باری بر جای می‌گذارد، حال به نقش فقر زدایی فردی بر معنویت و اخلاق در امور زیر اشاره می‌شود:

۱-۱ کار و تلاش

مقام معظم رهبری با تکیه بر شواهدی از روایات و احادیث در بیانیه ای در مورد اهمیت و ارزش کار در اسلام می‌فرماید: «پیغمبر دست‌آصحابی را دید زمخت و پینه بسته است؛ گفت: چرا دستت این طور است؟ گفت: یا رسول الله! من با این دست کار می‌کنم. پیغمبر این دست را گرفت و بوسید و فرمود: ((هذه يد لا تمسسه النار؛ آتش، این دست را لمس نمی‌کند)). عمل صالح بالاتر از این؟! ... نفس کار ارزش دارد، غیر از این که «کار» وسیله اعاشه و درآمد زندگی است، که آن هم به جای خود مطلب مهم و عبادت دیگری است. (بیانات رهبر در دیدار کارگران، ۱۳۹۵/۲/۶، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۸) هیچ گنجی بدون رنج به دست نمی‌آید، انسان فقط به وسیله کار و تلاش می‌تواند موفقیت در زندگی را کسب کند و نسبت به هم نوعان خود بی‌نیاز باشد. تلاش و پشتکار در تأمین سعادت دنیوی و اخروی آدمی تأثیر دارد. و در این آیه ی قرآن درباره کار و تلاش اشاره می‌شود: ((وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و اینکه برای انسان جر حاصل تلاش او نیست)). (نجم، ۳۹) و در آیه ای دیگر اشاره شده است: ((لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ غَلِيهَا مَا اكْتَسَبَتْ...؛ خداوند هیچ کس را جزء به قدر توانایی اش تکلیف نمی‌کند. به سود اوست هر چه (خوبی که) خود به دست آورده و به زیان اوست هر چه (بدی که) خودش فراهم کرده است)). (بقره، ۲۸۶) و همچنین در آیه ی دیگری آمده است: ((كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ؛ هر نفسی در گروه عملی است که انجام داده است)). (مُذْثَر، ۳۸) از آیات بالا می‌توان فهمید که امور این جهان هدفمند است و فعالیت و کار انسان

در سرنوشتش مؤثر است و آینده را برای او می سازد. امام رضا (علیه السلام) در کلامی ارزشمند در مورد کار و تلاش می فرمایند: ((إِنَّ الْأَذَى يَطْلُبُ مِنْ فَضْلٍ يَكْفُ بِهِ عِيَالُهُ أَعْظَمُ أَجْراً مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که دنبال روزی می رود تا آبروی خود و خانواده اش را حفظ کند، اجر و پاداشش از رزمنده ای که در راه خدا جنگ می کند بیشتر است (عرق کارگر معادل خون شهید است)). (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۶۷) یکی از معضلات جامعه ضعف در فعالیت و خود را به تنبلی زدن است. که از امام باقر (علیه السلام) روایت است: ((إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ از تنبلی و بی حوصلگی بپرهیز؛ زیرا که این دو خصلت، تو را از بهره دنیا و آخرت باز می دارند)). (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۸۵) و ایشان هم چنین می فرمایند: ((إِنِّي لِأَبْغِضُ الرَّجُلَ [أَوْ أَبْغِضُ لِلرَّجُلِ] أَنْ يَكُونَ كَسَلاً عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ، وَمَنْ كَسِلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ؛ من آن کسی را که در کسب و کار خود سستی ورزد، دشمن می دارم و کسی که در کارهای دنیایی سست قدم باشد، در کارهای اخروی سست تر خواهد بود)). (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۳۷) پس آدمی باید به دنبال کار و تلاش باشد و از تنبلی و بی کاری دوری کند. چون تنبلی برای او فقرآور بوده و فقر نیز آرامش را از انسان می گیرد و وقتی که آرامش گرفته شود باعث می شود اعمال عبادی وی ضعیف، زندگی دنیوی و اخروی را تباه سازد.

۱-۲ بی تدبیری در اداره زندگی

مقام معظم رهبری در بیانیه ای در مورد برنامه ریزی فرمودند: ((نگاه دین، نگاه اسلام، نگاه قرآنی به انسان این است که، انسان باید تلاش کند؛ تلاش با نظم، با برنامه ریزی و بی وقفه، تا بتواند به نتایج برسد)). (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۷/۷) و همچنین مقام معظم رهبری درجایی دیگر می فرمایند: ((اگر برنامه ریزی نکنیم، کار بی برنامه به سامان نخواهد رسید. بعد از آن که برنامه ریزی کردیم، اگر همت نکنیم، حرکت نکنیم، ذهن و عضلات و جسم خود را به تعب نیندازیم و راه نیفتیم، به مقصد نخواهیم رسید؛ اینها لازم است)). (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۴/۱۷) قرآن کریم کسانی را که در مسیر غیر الهی در حرکت اند به فردی گنگ و ناتوان که از او نفعی نمی رسد و قدرت برنامه ریزی و تدبیر ندارند تشبیه کرده و می فرماید: ((وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ و خداوند مثال می زند دو مرد را که یکی از آنها لال است و قادر بر هیچ کاری نیست و سر بارمولای خود می باشد که هر جا او را بفرستد خیری نمی آورد، آیا او با کسی که به عدالت فرمان می دهد بر راه راست قرار دارد، برابر است؟)). (نحل، ۷۶) در روایات معصومان (علیه السلام)، بی تدبیری در اداره زندگی از جمله عوامل فقرآور و تهی دستی به شمار آمده است. که به آنها اشاره می شود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این باره می فرماید: ((سُوءُ التَّدْبِيرِ مِفْتَاحُ الْفَقْرِ؛ تدبیر بد (در اداره زندگی) کلید فقر و تهی دستی است)). (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۳۳) و ایشان در روایتی دیگر می فرمایند: ((خُسْرُ التَّدْبِيرِ يُنْهِمِي قَلِيلَ الْمَالِ، وَ سُوءُ التَّدْبِيرِ يَفْنِي كَثِيرَهُ؛ برنامه ریزی درست (اقتصادی) مال اندک را افزایش می دهد و برنامه ریزی نادرست، مال فراوان را نابود می کند)). (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۷۷) و از روایات به دست می آید که تدبیر و برنامه ریزی در زندگی لازم است و زندگی فردی که در آن تدبیر نباشد، برکتی در آن نیست. بنابراین بی برنامه بودن و تدبیر نداشتن به پیدایش فقر در سطح افراد جوامع می انجامد. مقام معظم رهبری می فرمایند: ((اگر در جامعه قناعت وجود داشته باشد، زیاده روی و اسراف و ریخت و پاشی نباشد، اگر حرص و افزون طلبی در امور مادی نباشد، این جامعه به بهشت و گلستان تبدیل می شود.)) (جملات زیبای رهبری)

۱-۳ حرص و زیاده خواهی

حرص از رذایل اخلاقی است که آدمی را به جمع آوری مال، بیش از نیازش وادار می کند. و بسیاری از مشکلات آدمی در امور دنیوی و اخروی به این مسئله مربوط می شود. قرآن درباره حرص و زیاده خواهی می فرماید: ((وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛ کسانی که بخل می ورزند، و آنچه از فضل خویش به آنان داده او انفاق نمی کنند، گمان نکنند این کار به سود آنها است؛ بلکه برای آنها شر است؛

گفته اند ؛ می‌توان نتیجه گرفت که فقر، بدترین خطری است که افراد را تهدید می‌کند و هرگونه بی‌توجهی در رفع آن، به از دست رفتن اخلاص و فضائل اخلاقی می‌انجامد و باعث آسیب به جامعه می‌شود.

۳-۲ پرداخت قرض الحسنه

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (قدس سره) در بیانیه‌ای درباره قرض الحسنه فرمود: ((قرض الحسنه از اعمال بسیار خوب است و بهتر از انفاق، و همین طور پول دادن است، شاید یکی از نکته‌های آن این باشد که قرض الحسنه فعالیت به دنبال دارد و پول دادن مجانی شاید گدا درست کردن باشد، کسی که قرض می‌کند، به فعالیت می‌افتد تا در وقت خودش بتواند قرضش را ادا کند و با مازادی که پیدا کرده به کار خود ادامه می‌دهد، ولی آن کسی که کنار کوچه نشسته و از مردم چیزی می‌خواهد، هیچ وقت در فکر این نیست کار بکند؛ برای این که دیگر کسی نمی‌تواند از او مطالبه کند)). (سخنان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) در جمع مدیران صندوق‌های قرض الحسنه سراسر کشور، ۱۳۵۹/۳/۲۰) قرض الحسنه میثاق و عهدی میان انسان با پروردگار است که پایبندی به این میثاق در واقع ارج نهادن به گوهر انسانیت و منزلت واقعی انسان می‌باشد، که در این آیه شریفه به این میثاق اشاره شده است: ((وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ؛ و خدا را قرض نیکو دهید در این صورت گناهان شما را بپایمزم و شما را در بهشتی داخل گردانم، که زیر درختانش نهرها جاری است)). (مائده، ۱۲) و همچنین در آیه دیگر آمده است: ((إِنَّ الْمُسْتَقِيمَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفْ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ؛ همانا مردان و زنانی که در راه خدا به فقیران صدقه و احسان کنند، به خدا قرض نیکو دهند، خدا احسان آنها را چندین برابر سازد و پاداش با کرامت عطا کند)). (حدید، ۱۸) در این آیه افزون بر اجر کریم، افزایش حسنه و وعده الهی دیگری است که خداوند به پرداخت کنندگان قرض الحسنه خواهد داد و در آیه فوق در مقابل پرداخت قرض الحسنه خدا وعده می‌دهد که گناهان شما را می‌بخشم. در این صورت انسان بیشتر به فضایل اخلاقی نزدیک شده و معنویت وجودش را در بر می‌گیرد، تا حدودی فقر در جامعه هم از بین می‌رود.

نیازمندی هستند که با دریافت وام بدون بهره، مشکل آنان برطرف شده، زندگی‌شان به حالت عادی بر می‌گردد. از این رو امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ((لَقَضَاءُ حَاجَةِ امْرِئٍ مُؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهِ مِنْ عَشْرِينَ حَجَّةً كُلُّ حَجَّةٍ يُفْقُ فِيهَا صَاحِبُهَا مِائَةَ أَلْفٍ؛ برآوردن حاجت مومنی در نزد خدا محبوب‌تر است، از بیست حج که صاحب آن در هر حج صد هزار (دینار یا درهم) خرج کند)). (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۹۳) و ایشان در روایتی دیگر می‌فرمایند: ((قَرْضُ الْمُؤْمِنِ غَنِيمَةٌ وَ تَعْجِيلُ خَيْرٍ إِنْ أَيْسَرَ أَذَاهُ وَ إِنْ مَاتَ احْتِسِبَ مِنَ الزَّكَاةِ؛ قرض دادن فرصت و خیر شتابان است. چنانچه وام گیرنده توانایی داشت، می‌پردازد و اگر بمیرد، برای وام دهنده زکات محسوب می‌گردد)). (صندوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۸) به طوری که پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره کسانی که توانایی دارند ولی قرض نمی‌دهند می‌فرماید: ((مَنْ احْتَاجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِي قَرْضٍ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللَّهُ وَ عَلَيْهِ رِيحُ الْجَنَّةِ؛ هر که برادر مسلمانش به قرض او نیازمند شود و او با آنکه می‌تواند قرضش ندهد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می‌سازد)). (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۳۳۵) و همچنین ایشان در روایتی دیگر می‌فرماید: ((وَمَنْ أَقْرَضَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ... إِنْ رَفَقَ بِهِ طَلَبَهُ تَعْدَى بِهِ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ بَغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ؛ هر کسی به برادر مسلمانش قرض دهد... و در طلب آن، با وی مدارا کند، بدان سبب، بدون حساب و عذاب مانند برق جهنده و درخشان از روی صراط می‌گذرد)). (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۸۸) امام حسین (علیه السلام) درباره‌ی قرض دادن می‌فرماید: ((وَاعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا اللَّيْعَمَ فَتُحَوَّلَ نِقْمًا...؛ نیازهای مردم به شما از نعمت‌های خداوند بر شماست، هرگز از آن خسته و غمگین نشوید، وگرنه به نِقْمَت و بلا تبدیل می‌شود)). (موسوی حائری آل اعتماد، ۱۳۸۹، ص ۲۲) پرداخت قرض الحسنه رکنی مهم برای زندگی سعادتمند در جامعه است که خواسته‌ی انسان‌های دین‌دار و با اراده می‌باشد و موجب کمک کردن به افراد نیازمند شده و سلامت اخلاقی و معنوی آنان تا حدی تأمین می‌گردد.

۳-۳ انفاق و یاری رساندن به فقیران و محرومان جامعه

مقام معظم رهبری در بیانیه ای در مورد انفاق و یاری رساندن به فقیران می فرماید: ((تقویت روحیه ی ((انفاق)) یکی از کلیدی ترین راهکارها در مبارزه با فقر است. در جامعه ی اسلامی این روحیه باید به گونه ای رشد یابد که هر کس در اموال خود ((حق برای محرومان)) قائل باشد. باید کاری بشود، که هر کس خودش را موظف بداند که انفاق کند. آن کسانی که بیشتر درآمد دارند، نسبت به انفاق را بیشتر کنند. آن کسانی که کمتر درآمد دارند، باب را نبندند؛ به همان نسبت انفاق کنند. روح انفاق و نیکوکاری بایستی در جامعه توسعه پیدا کند و جزء ایمان مردم بشود و هر کس بنا را بر این بگذارد که در اموالش ((و فی اموالهم حق السائل و المحروم)) واقعاً برای محرومان حق قائل باشد... در جامعه ای اسلامی باید این را به عنوان یک فرهنگ در بیاوریم)). (بیانات رهبر در دیدار مسئولان کمیته ی امداد امام خمینی(رحمه الله علیه) ، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴) انفاق و خیر رساندن به مردم، کلید برکات و افزایش رزق و روزی است. و از مال پاک و حلال باید انفاق کرد که در این به آن آیه اشاره شده است: ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمتهای پاکیزه اموالی که به دست آورده اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته ایم انفاق کنید و برای انفاق به سراغ قسمتهای ناپاک نروید، در حالی که خود شما، به هنگام پذیرش اموال، حاضر نیستید آنها را بپذیرید؛ مگر از روی اغماض و کراهت ! و بدانید خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است)). (بقره، ۲۶۷) انفاق کردن به سود خود شماسست و پروردگار از کمالات معنوی شما را بهره مند می سازد و پاداش انفاق را در جهان والا ثبت می کند به طوری که در این آیه آمده است: ((الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنَآوِلًا أَدَّى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند و سپس به دنبال انفاقی که کرده اند منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان (محفوظ) است، و نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند)). (بقره، ۲۶۲) و در آیه دیگری در مورد انفاق اشاره شده است: ((الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ شیطان به وعده بی چیزی شما را به کارهای زشت و بخل وادار کند و خدا به شما وعده آمرزش و احسان دهد و خدا را رحمت بی انتها، و دانا است)). (بقره، ۲۶۸) سر اینکه بسیاری از مردم مال مرغوب و قیمتی را انفاق نمی کنند، هراس از فقر است. در این آیه، ریشه این خوف نا به جا بیان شده و فرموده است که این شیطان است که شما را می ترساند و وسوسه می کند که اگر مال خوب را انفاق کنید، نیازمند خواهید شد؛ ولی خداوندی که فقر و غنا به دست اوست، در برابر انفاق مال طیب، وعده فضل و مغفرت به شما می دهد. (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۹۴) درباره انفاق با منت بر فقرا پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: ((الْمَنُّ عَلَى الْفُقَرَاءِ مَلْعُونٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ کسی که بر فقرا منت بگذارد در دنیا و آخرت از رحمت خدا دور است)). (دیلمی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۹۴) آنچه را برای خود هزینه کنی تمام می شود؛ ولی آنچه را برای خدا هزینه کنی همه جاوید و ماندگار است. از این رو امام علی (علیه السلام) فرمودند: ((لَذَةُ الْكَرَامِ فِي الْإِطْعَامِ وَلَذَةُ اللَّيَامِ فِي الطَّعَامِ؛ لذت کریمان در خوردن است و لذت لثیمان در خوردن)). (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۷) مقام معظم رهبری در یکی از بیانیه هایش در مورد فقر زدایی می فرمایند: ((ریشه کنی فقر و رسیدگی مناسب به فقرا و محرومان تنها در صورتی به موفقیت می رسد که عموم مردم با سطوح مختلف اقتصادی وارد این عرصه شوند و همه مسئولیت ها را متوجه دولت و نهادهای حاکمیتی نبینند. اینگونه است که زمینه اصلاح و بهبود شرایط فراهم می شود:)) وقتی مردم خود را رفع گرفتاری مستضعفان و ضعفا و مستمندان سهم بداند، کارها اصلاح می شود)) (بیانات رهبر در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۳/۴/۲۹)

نتیجه گیری

این مقاله با عنوان ((نقش فقر زدایی بر معنویت و اخلاق با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب)) در سه بخش نقش فقر زدایی فردی بر معنویت و اخلاق، نقش فقر زدایی خانوادگی بر معنویت و اخلاق، نقش فقر زدایی اجتماعی بر معنویت و اخلاق سامان یافت.

در مهم ترین دستاوردها و نتایج این پژوهش می توان گفت:

1- فقر در چهار وجه استعمال می شود: الف) مهم و ضروری بودن فقر در انسان ها تا هنگامی که در دنیا به سر می برند، چنان که فقر و نیازمندی بر کلیه موجودات عمومیت دارد. ب) فقری که از نبود تلاش و فعالیت منشأ می گیرد. ج) فقر روحانی و باطنی که همان حرص است. د) فقر و نیازمندی به خالق؛ رعایت این چهار وجه ضروری است، به ویژه فقری که از عدم کار و تلاش و حرص به دست می آید. نقش فقر بر معنویت و اخلاق، در جامعه به دو جناح ((مادیت و معنویت)) کاربرد بسیار شایع و عمومی دارد و مراد از آن احتیاج و نداشتن هزینه در حد متعارف، و نیز لزوم تقویت باطنی و فضیلت های اخلاقی در برابر فقر فراگیر جامعه و اقتصاد است.

2- بر اساس معنا و مفهوم لغوی «معنویت»، مراد از آن، معنایی است که فقط به وسیله ی عمق وجودی شناخته می شود و ضرر را در آن بهره ای نیست.

3- بررسی نقش فقر زدایی در جامعه، در گرو قواعد و اصولی دقیق است تا با رفع آن معضل؛ اخلاص، معنویت و کمال در جامعه حکم فرما شود. در این میان معنویت و اخلاق یکی از محورهای راهبردی برای رفع مشکل فقر در جامعه تأثیر بسیاری داشته است.

4- برخی از عوامل فقر زدایی فردی بر معنویت و اخلاق از منظر انقلاب اسلامی عبارتند از: کار و تلاش، بی تدبیری در اداره زندگی، حرص و زیاده خواهی، اسراف و تبذیر در زندگی.

5- مدیریت صله رحم، وضعیت معیشتی خانواده در زمره ی برجسته ترین عوامل فقر زدایی خانوادگی بر معنویت و اخلاق است.

6- از دیدگاه انقلاب اسلامی عدالت و مبارزه با فساد، پرداخت قرض الحسنه، انفاق و یاری رساندن به فقرا و محرومان جامعه از مهمترین عوامل برای نقش فقر زدایی اجتماعی بر معنویت و اخلاق به شمار می روند.

با توجه به اهمیت نقش فقر و مادیات در عصر کنونی و اهتمام دین جهانی اسلام به راهکارهای کاهش آن در بین ملت ها و ادیان مختلف و نیز بیانات مقام معظم رهبری در این زمینه، پیشنهاد می گردد تا پژوهش های دیگری درباره ی نقش فقر و امور مادی در معنویت و اخلاق با تاکید بر بیانیه گام دوم تدوین گردند.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- 1. آقا جمال خوانساری، محمدبن حسین، شرح غررالحکم و دررالکلم؛ تصحیح و تعلیق: محدث جلال الدین، تهران: دانشگاه تهران-مؤسسه انتشارات و چاپ، چاپ چهارم، 1366 ه.ش.
- 2. ابن شعبه حرانی، ابی محمد حسن بن علی بن الحسین، تحف العقول عن آل رسول؛ تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، 1404 ه.ق.
- 3. ابن فارس، ابوالحسن احمدبن زکریا، معجم مقاییس اللغه؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، 1404 ه.ق.
- 4. ابن منظور، ابوالفضل محمدبن مکرم بن علی مصری، لسان العرب؛ بیروت: دار صادر، چاپ سوم، 1414 ه.ق.
- 5. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای KHAMENEI.IR
- 6. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1366 ه.ش.
- 7. حرّ عاملی، محمدبن حسن بن علی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ قم: مؤسسه آل البيت، 1409 ه.ق.
- 8. حکیمی، محمدرضا، الحیاه؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1367 ه.ش.
- 9. خامنه ای، علی، متن بیانیه گام دوم انقلاب؛ تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی، 1397 ه.ش.
- 10. خلیلیان اشکزی، محمد جلال، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی؛ قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، چاپ اول، 1381 ه.ش.
- 11. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه؛ زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ، دانشگاه تهران، 1377 ه.ش.
- 12. دیلمی، حسن بن ابی حسن، ارشاد القلوب؛ قم: دارالشریف الرضی النشر، 1415 ه.ق.
- 13. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن؛ مترجم: سیدغلامرضا خسروی حسینی، بی جا: مرتضوی، چاپ چهارم، 1388 ه.ش.
- 14. زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس؛ بیروت- لبنان، چاپ یکم، 1414 ه.ق.
- 15. شیخ صدوق، محمدبن علی، الخصال؛ قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، 1362 ه.ش.
- 16. -----، من لایحضره الفقیه؛ مترجم: مصحح: گروه پژوهشی مؤسسه آل البيت علیهم السلام؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، 1409 ه.ق.
- 17. طباطبایی، محمدحسین، المیزان؛ ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، 1368 ه.ش.

18. عسگری، ابو هلال، معجم الفروق اللغویه؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، 1412 ه.ق.
19. فراهیدی، ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد بن عمر، العین؛ قم: هجرت، 1410 ه.ق.
20. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، 1371 ه.ش.
21. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی، کافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1365 ه.ش.
22. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، 1403 ه.ق.
23. محمدی ری شهری، محمد و همکاران، میزان الحکمه؛ قم: دارالحديث، چاپ اول، 1375 ه.ش.
24. -----، دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام بر پایه قرآن و حدیث، بی جا: سازمان چاپ و نشر دارالحديث، نوبت چهارم، 1392 ه.ش.
25. مصباح یزدی، محمدتقی، پرسش ها و پاسخ ها؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، چاپ 19، 1381 ه.ش.
26. مطهری، مرتضی، حکمتها و اندرزها؛ بی جا، بی نا، بی تا.
27. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، زبده البیان فی احکام قرآن؛ محقق: بهبودی، محمدباقر، تهران: ناشر مکتبه المرتضویه، چاپ اول، بی تا.
28. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ یکم، 1374 ه.ش.
29. موسوی حائری آل اعتماد، مصطفی محسن، ترجمه بلاغه الحسین (ع)؛ مترجم سید محمد حسن مشکوه، بی جا: معصومین، چاپ یکم، 1389 ه.ش.
30. وجدی، محمد فرید، دائره المعارف القرن العشرين؛ بیروت: دارالفکر، 1971 م.